

بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر طلاق

در شهرستان زنجان در سال ۱۳۸۷

* دکتر مهدی قدیمی

** زهرا محمدی

*** رقیه عباسی

کد مقاله: ۳۱۸

چکیده

طلاق آندوه‌بارترین و تلخ‌ترین نوع رهایی از جهنم ناسازگاری‌هاست که در زندگی زوجین به علت عدم سنخیت فرهنگی و اجتماعی و در اثر سوء تفاهم‌ها، رفتارها و تصورات غلط از یکدیگر و یا وجود بیماری، اعتیاد، خشونت‌های خانگی، دخالت‌های دیگران و ده‌ها عامل دیگر به وقوع می‌پیوندد. آمار نشان می‌دهد که هر ساله بر تعداد طلاق‌ها افزوده می‌شود و خطر از هم پاشیدن بر بسیاری از کانون‌های خانوادگی سایه افکنده است. برای اجرای این تحقیق از سه روش اسنادی^۱، میدانی^۲، و روش پیمایشی یا زمینه‌یابی^۳، استفاده شده است. در روش اسنادی با استفاده از کتب، منابع و تحقیقات دیگران به روش کتابخانه‌ای اطلاعات مربوط به طلاق گردآوری شد و در این قسمت نظریات ادیان مختلف به ویژه دین مبین اسلام در مورد طلاق مطالعه شده است و نظریات جامعه‌شناسی و روان‌شناسی در زمینه‌ی طلاق گردآوری گردیده است. در مرحله‌ی دوم با استفاده از روش میدانی و با استفاده از تکنیک مشاهده^۴ و مصاحبه عمیق سعی شد که از طریق فرمول نمونه‌گیری «اشباع طبقات»، با ۵۰ زوج از هم جدا شده، مصاحبه‌های عمیق صورت گیرد و در مرحله‌ی سوم با استفاده از روش پیمایشی و با استفاده از «پرسشنامه» سعی شد با ۵۰۰ زوج طلاق گرفته «مصاحبه همراه با پرسشنامه» انجام گیرد که نتایج این پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و تجزیه و تحلیل با کامپیوتر به صورت جداول توزیع فراوانی آورده شده است و در پایان نیز جدول توزیع فراوانی عوامل مؤثر بر طلاق ارائه شده است که در آن سهم هر یک از عوامل تاثیرگذار در طلاق به صورت درصد آورده شده است. جمعیت آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی زوج‌هایی بوده است که طی ۶ ماه (اردیبهشت ماه تا مهرماه ۱۳۸۷) به دادگاه‌های خانواده و دادگستری شهرستان زنجان مراجعه نموده و پرونده آن‌ها منجر به صدور طلاق شده است که از بین این ۵۰۰ زوج ۵۰ نمونه از طریق فرمول نمونه‌گیری اشباع طبقات، برای مصاحبه عمیق انتخاب شده‌اند. با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، بیشترین میزان طلاق در بین خانواده‌های غیرمرفه، با زوجین کم‌سواد، مردان شغل کارگر و زنان خانه‌دار مشاهده می‌گردد که از این جامعه‌ی آماری مورد مطالعه ۶۹٪ زوجین بدون فرزند می‌باشند.

واژگان کلیدی: طلاق، عوامل فردی، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، شهرستان زنجان.

Email: DM-Ghadimi-zn@yahoo.com

Email: Naserparsa82@gmail.com

Email: Abbasi.Tarh@yahoo.com

* استادیار، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان.

** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی.

*** کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی.

مقدمه

طلاق را از مهم‌ترین پدیده‌های حیات انسانی تلقی می‌کنند. این پدیده جوانب بسیاری دارد؛ نخست، یک پدیده روانی است، زیرا بر تعادل روانی نه تنها دو انسان، بلکه فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان آنان اثر می‌نهد. دوم آن که پدیده‌ای است اقتصادی؛ چرا که به گسست خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی می‌انجامد و نابودی تعادل روانی انسان‌ها، موجبات بروز اثراتی سهمگین در حیات اقتصادی آنان را نیز فراهم می‌سازد. سوم آن که، طلاق پدیده‌ای مؤثر بر تمامی جوانب جمعیت در یک جامعه است، زیرا از طرفی بر کمیت جمعیت اثر می‌نهد، چون تنها واحد مشروع و اساسی تولید مثل یعنی خانواده را از هم می‌پاشد، از طرف دیگر بر کیفیت جمعیت اثر دارد، چون موجب می‌شود فرزندان محروم از نعمت‌های خانواده، تحویل جامعه گردند، که به احتمال زیاد فاقد شرایط لازم در راه احراز مقام شهروندی یک جامعه‌اند. چهارم آن که طلاق یک پدیده‌ی فرهنگی است که در هر جامعه و هر فرهنگ صبغه‌ای خاص می‌یابد و به نوعی رنگ جامعه‌ای را می‌پذیرد که در آن تکوین یافته است. بدین سان می‌توان گفت جامعه‌ای که در آن طلاق از حد متعارف تجاوز کند، هرگز از سلامت برخوردار نخواهد بود. طلاق از دیدگاهی یک پدیده ارتباطی است: بدین سان، در جامعه‌ای که فاقد ارتباطات سالم، درست و طبیعی است، پیوند یا رابطه زناشویی نیز استثناء نیست. پیوندهای ازدواج به زودی برقرار می‌شوند، به زودی نیز قطع می‌گردند.

پس توجه به طلاق نه تنها از دیدگاه فرد به عنوان انسان و فرزندان مهم است، بلکه از دیدگاه جامعه، فرهنگ، اقتصاد و حتی جمعیت نیز قابل اعتناست.

بنابراین، پدیده‌ی طلاق، پدیده‌ی چندعاملی است و هرگز یک عامل به تنهایی نمی‌تواند موجبات پیدایش آن را فراهم کند. اکثر اوقات بزرگ‌ترین مشکلات، از جزئی‌ترین مسائل ایجاد می‌شود. همین جزئیات و جرقه‌های کوچک آتشفشان‌های بزرگی را ایجاد می‌کند که باعث ویران شدن خانواده می‌شود. آمار رو به افزایش طلاق در جهان در هیچ عصری، چنین نگران‌کننده نبوده است. با این که می‌دانیم مسأله‌ی طلاق یک امر ضروری است، ولی باید به حداقل ممکن تقلیل یابد؛ چرا که در روایات اسلامی طلاق، شدیداً مذمت شده و به عنوان مبعوض‌ترین حلال‌ها از آن یاد شده است.

طرح و بیان مسأله

نخستین وظیفه هنجارهای اخلاقی یک جامعه تنظیم روابط دو جنس مرد و زن بر پایه‌های مناسب است. انسانی‌ترین عمل تنظیم این روابط، همان ازدواج است که می‌توان آن را به عنوان اتحاد زن و مرد برای بهبود و پیشرفت آینده تعریف کرد. ازدواج توافق و پیوندی است بین زن و مرد که زیربنای آن یک نیاز بیولوژیکی و زیستی است و پیدایی خانواده معلول نیاز به دیگران و تداوم آن در گروی کارکردهای آن است (ستوده، ۱۳۸۰، ص ۲۰۵).

ازدواج و تشکیل خانواده که با شور و اشتیاق دوره‌ی جوانی آغاز می‌شود، گاه در پیچ‌وخم ارتباطات نامناسب فردی و اجتماعی به یک تجربه تلخ می‌گراید و راه ادامه زندگی مشترک را برای زن و شوهر سد می‌کند به نحوی که رفته رفته پایه زندگی مشترک از هم گسسته می‌شود و پدیده‌ای به نام طلاق مطرح می‌شود. این پدیده اگرچه در عرف و شرع بسیار ناخوشایند محسوب می‌شود و بسته به عوامل مختلف تاثیرات سوئی نیز در جامعه باقی می‌گذارد، با این وجود از زمانی که انسان زندگی مشترک خود را در قالب خانواده و ازدواج آغاز کرده، طلاق نیز وجود داشته و همواره به عنوان یکی از معضلات اجتماعی جوامع مختلف مطرح بوده است (همان منبع).

طبق آخرین آمار ازدواج و طلاق و بر اساس گزارش مرکز آمار ایران:

جدول شماره (۱): آمار ازدواج و طلاق در شهر و روستاهای ایران

سال	کل کشور		مناطق شهری		مناطق روستایی	
	ازدواج	طلاق	نسبت طلاق به ازدواج (درصد)	ازدواج	طلاق	نسبت طلاق به ازدواج (درصد)
۱۳۷۵	۴۷۹۶۳	۳۷۸۱۷	۷/۸۹	۳۵۷۱۳۸	۳۳۶۹۷	۹/۱۵
۱۳۷۶	۵۱۱۴۰۱	۴۱۸۱۶	۸/۱۷	۳۸۷۲۷۶	۳۶۴۵۹	۹/۴۱
۱۳۷۷	۵۳۱۴۹۰	۴۲۳۹۱	۷/۹۷	۴۱۲۵۶۵	۳۷۶۳۶	۹/۱۲
۱۳۷۸	۶۱۱۵۱۹	۵۰۱۷۹	۸/۲۰	۴۷۶۷۲۳	۴۴۵۰۳	۹/۳۳
۱۳۷۹	۶۴۶۴۹۸	۵۳۷۹۷	۸/۳۲	۴۹۹۱۴۳	۴۷۹۳۶	۹/۶۰
۱۳۸۰	۶۴۴۳۵۱	۶۱۰۱۳	۹/۴۷	۴۹۸۰۲۷	۵۵۰۰۵	۱۱/۰۴
۱۳۸۱	۶۵۰۹۶۰	۶۷۲۵۶	۱۰/۳۳	-	-	-
۱۳۸۲	۶۸۰۹۳۱	۷۲۴۲۹	۱۰/۶۳	۵۲۲۰۵۷	۶۴۲۸۳	۱۲/۳۱
۱۳۸۳	۷۲۳۹۷۶	۷۳۸۸۲	۱۰/۲۰	-	-	-
۱۳۸۴	۷۸۷۲۷۱	۸۴۲۴۳	۱۰/۶۹	۵۵۸۴۲۴	۷۰۰۲۴	۱۲/۵۳
۱۳۸۵	۷۷۸۲۹۱	۹۴۰۳۹	۱۲/۰۸	-	-	-
۱۳۸۶	۸۴۱۱۰۷	۹۹۸۵۲	۱۱/۶۸۷	-	-	-
۱۳۸۷	۲۴۲۵۶۱	۲۵۳۶۲	۱۰/۴۵	-	-	-

مأخذ: اداره ثبت احوال استان زنجان

این آمار نشان می‌دهد که با رشد طلاق در شهرها، روستاها نیز به دلایلی چون مهاجرت، مشکلات اقتصادی، فرهنگی و حتی گاه بحران هویت از این معضل بی‌بهره نمانده‌اند. حتی روستاهایی که آمار طلاق قبلاً در آن‌ها صفر بوده است، اسم طلاق را بارها و بارها شنیده‌اند. رییس سازمان ملی جوانان هم اعلام کرد، در سال ۱۳۸۵ آمار طلاق در کشور بی‌سابقه بوده است و به ۱۲/۰۸ درصد رسیده است. به گفته وی ۵/۱ درصد جوانان کشور مطلقه هستند.

بد نیست شاهد آمار طلاق در استان زنجان طی چند دهه اخیر باشیم:

جدول شماره (۲): آمار ازدواج و طلاق در استان زنجان

سال	ازدواج	طلاق	نسبت طلاق به ازدواج
۱۳۵۰	۵۶۵۳	۳۹۶	۷
۱۳۵۵	۵۱۹۳	۳۷۴	۷/۲
۱۳۶۰	۱۲۰۵۱	۹۰۴	۷/۵
۱۳۶۵	۱۱۹۴۹	۹۳۳	۷/۸
۱۳۷۰	۱۴۵۳۳	۸۳۵	۵/۷
۱۳۷۵	۷۲۹۳	۴۸۱	۶/۵۹
۱۳۸۰	۱۰۲۶۳	۷۴۳	۷/۲۳
۱۳۸۵	۱۲۲۱۴	۱۱۱۶	۹/۱۳
۱۳۸۶	۱۳۳۸۹	۱۲۲۰	۹/۱۱
در ۶ ماهه ۱۳۸۷	۸۰۳۸	۶۷۶	۸/۴۱

مأخذ: اداره ثبت احوال استان زنجان

در استان زنجان طلاق در سال ۸۶-۱۳۸۵، در چند دهه‌ی اخیر بعد از انقلاب افزایش داشته است. برای حل این مشکل چه می‌توان کرد؟ نخست باید دید، درد چیست تا بتوان در مورد درمان آن چاره‌ای اندیشید؟ آیا با شناسایی درد، بدون توجه به علل و اسباب آن می‌توان درد را درمان کرد؟

از آنجایی که طلاق یک مسأله‌ی اجتماعی و از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی حیات انسان تلقی می‌شود و همچنین هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند نسبت به آن بی‌توجه باشد و نیز از آنجایی که طلاق با پیامدها و عوارض مختلف اجتماعی روی زوجین از هم جدا شده و بچه‌های طلاق است و بسیاری از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی ناشی از طلاق است و متأسفانه آمار آن روز به روز در حال افزایش است و نظام اجتماعی ایران نیز از این مسأله مبرا نیست و با توجه به این که شهر زنجان نیز در طی ۱۰ سال گذشته همواره شاهد

افزایش تعداد طلاق‌ها بوده است، بنابراین پرداختن به مسأله‌ی طلاق اهمیت و ضرورت خاصی دارد.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان اهداف این تحقیق را به شرح ذیل بر شمرد:

- ۱- بررسی مفهوم طلاق و نگرش به آن از دیدگاه ادیان مختلف،
- ۲- بررسی مفهوم طلاق، نظریه‌ها و عوامل مؤثر بر آن در متون مختلف جامعه‌شناسی و روانشناسی،
- ۳- بررسی پیشینه تحقیقات مختلف پیرامون طلاق در ایران،
- ۴- بررسی میزان طلاق و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری طلاق در شهر زنجان،
- ۵- ارایه عوامل طلاق به صورت بیوگرافی برای آشنایی خوانندگان با علل مختلف طلاق.

نظریه‌های تبیین‌کننده‌ی طلاق

طلاق بر اساس تبیین‌های جامعه‌شناختی

تبیین‌های جامعه‌شناختی، بر نقش مهم و اساسی محیط اجتماعی در شکل دادن به طلاق تاکید دارد؛ و هنگام توجه به چگونگی شکل‌گرفتن رفتارهای نابهنجار در صحنه‌ی اجتماع، اساساً به عللی توجه می‌کنند که گروه‌ها یا قشرهایی را از اعضای آن، در معرض نابهنجاری قرار می‌دهد؛ اموری مانند ساخت اجتماعی و همه‌جانبه‌ای که افراد جامعه را احاطه کرده است؛ شرایط و موقعیت‌هایی اجتماعی که فرد در آن‌ها قرار می‌گیرد؛ گروه‌هایی که فرد به آن‌ها تعلق دارد و . . . برای نمونه نیز می‌توان به سخن دورکیم در این زمینه اشاره کرد. آن‌جا که مدعی شده است: «کیفیت جامعه به کجروی‌ها شکل می‌دهد؛ . . . یعنی به دلیل قوانین و کارکردهای نظام‌های اجتماعی، رفتارهایی در مردم به وجود می‌آید که بعضی از آن‌ها صحیح و پاره‌ای غلط می‌باشد و جنبه کجروی به خود می‌گیرد» (سلیمی و دیگری، ۱۳۸۰، ص ۴۲۵).

تبیین‌های ساختی - کارکردی

دیدگاه‌های کارکردی و ساختی، پدیده انحراف و طلاق را در راستای برهم خوردن نظم اجتماعی موجود و به عنوان خطری برای ثبات نظام اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهند.

مفهوم اساسی در این نوع تبیین‌های نابهنجاری‌های اجتماعی نیز آن است که ساختار کلی جامعه سبب می‌شود که گروه‌های خاصی از افراد، خود را با نابرابری‌هایی بنیادین در انواعی خاص از فرصت‌های دستیابی به اهداف مواجه ببینند. این نیز در حالی است که جامعه، خود آن اهداف را ارزشمند شمرده و ترویج‌کننده آن‌ها بوده و هست و . . . (همان منبع، ص ۴۲۶).

عوامل طلاق نیز به عنوان نوعی از انحرافات اجتماعی در چند دسته مطرح می‌شود، گروهی عوامل ساختی - کارکردی و بنیادی است که خود در دو حوزه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی قابل بحث است و گروهی دیگر عوامل فرعی و مرتبط با وقایع خاص می‌باشد (ساروخانی، ۱۳۷۲، ص ۱۲۲).

الف) عوامل ساختی - کارکردی در حوزه جامعه‌شناسی

شامل عواملی است تام، چندساختی، وسیع و کلی. این عوامل با تمام عوامل حیات سروکار دارد، به تعبیر جامعه‌شناسان، آسیب‌زا یا آسیب برانگیز است و در اعماق جامعه عمل می‌کند؛ از این رو در محدوده‌ی جامعه‌شناسی عمقی جای دارد، خوشه یا مجموعه‌ای وسیع، از پدیده‌های اجتماعی را بیمار می‌سازد. بنابراین با تمامی زمینه‌های آسیبی در ارتباط می‌باشد (همان منبع).

برخی از این عوامل ساختی چنین است: به زعم پیتریم سورکین آن‌گاه که انسان‌ها همه ارزش‌ها را در مسلخ ماده‌گرایی و ابزارگرایی قربانی می‌سازند، جامعه‌ای تکوین می‌پذیرد که باید جامعه حسی خوانده شود (همان منبع).

نظریه امیل دورکیم و رابرت مرتن درباره‌ی بی‌هنجاری و دوساختی شدن جامعه دورکیم و مرتن با طرح و ابداع مفهوم بی‌سازمانی یا بی‌قاعدگی اجتماعی دقیقاً دنیایی از روابط اجتماعی را مجسم ساختند که مخصوصاً در قرن بیستم بسط یافت. هنگامی که جامعه‌ای در حال دگرگونی سریع است، بسیاری از انسان‌ها دچار نوعی سردرگمی می‌شوند، قواعد و هنجارهای سنتی بر ایشان کم‌ارزش به نظر می‌رسد و ارزش‌های جدید و منطبق با واقعیت نیز جا نیفتاده است. در جامعه در حال گذار دو ساخت اجتماعی همچنان موجود است (ساخت کهن و ساخت جدید) و در نتیجه برخی از ساخت کهن و

برخی از ساخت نوین تبعیت می‌کنند، اما اکثریت در بین این دو مسافت اجتماعی سرگردانند. بر اساس ساخت کهن می‌اندیشند اما به مقتضای واقعیت و بر حسب ساخت جدید عمل می‌کنند. گاه در امر ازدواج دو ساخت متمایز با هم عمل می‌کند و تناقض می‌آفریند (ساروخانی، ۱۳۷۲، ص ۱۲۶).

نظرات تالکوت پارسنز در مورد بی‌هنجاری

پارسنز برای زنده ماندن و بقای جامعه چهار خرده نظام را خواستار بود که در غیر این صورت و در صورت فقدان این چهار خرده نظام و از کل نظام، جامعه به فنا و اضمحلال کشیده خواهد شد. وی معتقد است خرده نظام‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اعتقادی جوامع در هماهنگی، انسجام و همبستگی متقابل است که می‌تواند افراد جوامع بشری را در کنار همدیگر به خوبی نگاه دارد و آن‌ها را از فروپاشی و اضمحلال و بی‌هنجاری نجات دهد (ریتزر، ۱۳۷۷، صص ۱۳۸ و ۱۳۱).

تئوری ویلیام گود و نظریه هنجاری و ساختار خانواده

ویلیام گود معتقد است «خانواده» کانون و هسته‌ی اصلی شکل اجتماعی و به عنوان یک سیستم کوچک اجتماعی است که زیربنای جامعه بزرگتری را فراهم می‌کند. هنجارها و ارزش‌های حاکم بر آن بر تک تک افراد آن تاثیر قطعی دارد. شناخت سازمان و انگاره‌های خانواده می‌تواند به عنوان کلیدی برای شناخت رفتارهای فرد پرورش یابد در آن تلقی گردد، به نظر گود هنگامی که یک یا چند تن از اعضای خانواده نتوانند وظایف و نقش خود را به طور مناسب و شایسته‌ای انجام دهند، گسیختگی خانوادگی به وجود می‌آید. شدت گسیختگی را در از هم پاشیدگی و متلاشی خانواده‌هایی که اعضای آن از هم جدا شده‌اند می‌توان مشاهده کرد. گسیختگی خانواده می‌تواند معلول عوامل زیر باشد: (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۷۰).

- الف) نبودن پدر که در اثر مرگ و میر، طلاق یا اشتغال بیش از حد،
- ب) نبودن یا غیبت مادر به علت اشتغال خارج از خانه، مرگ یا طلاق،
- ج) وجود روابط عاطفی ضعیف و حتی متعارض بین اعضای خانواده.

ب) عوامل ساختی در حوزه‌ی روان‌شناسی اجتماعی

طلاق پدیده اجتماعی و روانی است. دلیلش آن که تمامی کسانی که در معرض یک آفت اجتماعی (نظیر فقر) قرار گرفته‌اند همگی رو به طلاق نمی‌نهند. در این جا به تعدادی از عوامل روانی اجتماعی که آفت هر نوع ارتباط اجتماعی‌اند و مخصوصاً در بسط و گسترش طلاق تاثیر می‌گذارند اشاره می‌نماییم (ساروخانی، ۱۳۷۲، ص ۳۴۹).

خودمیان‌بینی و دوری از همدلی: هرگاه فردی، دیگری را با خود و ارزش‌های خود مقایسه کند و دچار خودمیان‌بینی گردد، جلوه‌ای از خودگرایی و در نهایت محبوس شدن انسان در زندان خودخواهی است. این حالات بر روابط انسان با دیگران تاثیر منفی برجا می‌گذارد. به سستی ارتباط، انزوای اجتماعی و پیدایی خلأ اجتماعی منتهی می‌شود. یکی از مشاهیر فرانسوی می‌گوید: «*سأ من تفرانگیز است*» یعنی همه چیز را برای خود می‌طلبد از روح ایثار به دور است و موجب رنجش دیگران می‌شود و از سرمایه‌ی گرانبهای دوستی محروم می‌ماند و کلید موفقیت اجتماعی را که پیدایی شبکه قوی و سالم ارتباطی است از دست می‌دهد. بر همین اساس امروزه سخن از بسط انسان‌گرایی نوین و مخصوصاً تقویت خمیرمایه ایجاد و بسط ارتباطات اجتماعی یعنی دیگر دوستی و باز شدن فرد به سوی جامعه می‌رانند. در همین راستا لرنر در اثرش «گذر از جامعه سنتی» این مفهوم را سخت مورد توجه کرده است و موکورپ و باسول در اثر معروف‌شان «همدلی و شناخت دیگری» همدلی را عبارت از اقدامی در جهت ایجاد ارتباط با دیگران، به منظور فهم من دیگری. به عنوان یک فرد دیگر در جهت پیش‌بینی حدود توانایی او می‌دانند. از دیدگاه ژان کازنو «همدلی یا خویشتن را به جای دیگری دیدن، عبارت از این است که خود را از نظر روانی به جای دیگری قرار دهیم. عملی که در نهایت به فرافکنی و این همانی می‌انجامد.» به عنوان مثال اگر مرد چند روزی به جای همسرش در خانه باشد، مثلاً با سفر زن یا هر عامل غیبت و عدم توان کار او. مرد خود را در برابر تعداد زیادی فرزند می‌یابد هر یک با خواسته‌های متفاوت و منطقی جدا از منطق بزرگترها، وظایف گوناگون خانه‌داری، کارهای مختلف خارج از خانه مخصوصاً خرید و . . . آن‌گاه بهتر می‌تواند خود را به جای همسرش قرار دهد و درک کند که او نیز چندان هم بی‌مسئولیت نیست و در هر حال شریکی صادق است در هدایت و راهبری خانواده (همان منبع).

بلوغ روانی - اجتماعی و زدایش رمانتیسیم: هدف ارتقای شناخت فرد نسبت به خود، محیط پیرامون و انسان‌های دیگر است. در آغاز آگاهی‌دادن نسبت به نسبیّت پدیده‌های اجتماعی مطمح نظر است. جوان یا هر انسانی که دست به ازدواج می‌زند، باید بداند که زناشویی نیز همانند سایر امور و پدیده‌های اجتماعی جهات منفی و مثبت دارد. از طرفی نوید رهایی انسان از عزلت اجتماعی، ارضای خواسته‌های طبیعی را میسر می‌سازد، گذران حیات به طریقی بهنجار را موجب می‌شود از طرف دیگر مسؤولیت جدید و وظایف تازه را ایجاد می‌کند. این امر یعنی چندجنبه‌ای بودن همه‌ی ارکان حیات که موجب می‌شود فرد از اندیشه یک‌بُعدی در باب آن بپرهیزد از آرمان‌سازی مفرط اجتناب ورزد و فرا گیرد هر گلی خاری نیز دارد (ساروخانی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۵).

آگاهی از فضای خاص ارتباطی: ارتباط بین دو انسان فضایی خاص و منحصر به فرد می‌سازد که عناصر اساسی آن ذهنی و کیفی است. هر قدر قدمت ارتباط اجتماعی افزایش یابد به همان نسبت نیز غنای این حوزه ارتباطی بسط می‌یابد، و به تبع آن خاص‌تر و منحصر به فردتر می‌شود. به عنوان مثال زوجی که ۲۰ سال را با یکدیگر سپری کرده‌اند از اندیشه و واکنش‌های یکدیگر آگاهی دارند، در تجربه این شناخت مورد آزمون قرار گرفته است و در قبال هر واقعه انعکاس خاصی را از طرف مقابل انتظار دارد حال اگر فرد دیگری (مادر زن یا شوهر) در این محدوده خاص وارد شود و فرزند خود را در قبال یک مسأله خانوادگی به بروز واکنش خاصی قانع سازد احتمالاً موجب تعجب و خشم طرف مقابل خواهد شد. خشمی که هم ناشی از عدم برآورد انتظار اوست و هم ورود شخص ثالث در این حریم ارتباطی است (ساروخانی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۶).

طلاق بر اساس تبیین‌های کارکردی، نظریه انتقال فرهنگی و یادگیری اجتماعی، و نظریه برجسب‌زنی

جامعه‌شناسان، مسایل اجتماعی را بر اساس نظریات مختلف جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار می‌دهند و از نظریه‌ها و عقاید مختلف جهت تبیین مسایل و ضروریات استفاده می‌کنند:

از جمله این تبیینات، تبیین کارکردی است که طلاق را برای کل نظام اجتماعی لازم می‌داند و به آثار و نتایج آن توجه می‌نماید. بر این اساس از جمله کارکردهای طلاق عبارت است از:

پیشگیری از ایجاد مشکلاتی از قبیل انحرافات جنسی، خودکشی، اعتیاد به مواد مخدر، سرقت و . . . زیرا خانواده‌ای که در آن اختلاف، نزاع، جدال، مشاجره و . . . وجود داشته باشد کانونی مناسب برای رفع نیازمندی‌های عاطفی، جسمانی، اقتصادی، روانی اعضای آن نخواهد بود و اگر فردی خود را مجبور به زندگی در چنین خانواده‌ای بباید به علت وجود نیازهای فوق و در جهت پاسخ‌گویی به آن‌ها به انواع مشکلات و مسایل اجتماعی مبتلا می‌گردد. اما طلاق راه حل مناسبی است تا به این نیازها با ازدواج دیگری به طور مناسب و مشروع پاسخ داده شود.

پیشگیری از ایجاد و تولد اطفالی که با تربیت در محیط متشنج و مضطرب خانواده‌ای پر از مشاجره و منازعه به دامان اجتماع پناه می‌برند و از خانواده روگردان می‌شوند به انواع انحرافات اجتماعی آلوده و گرفتار می‌شوند.

آزادی طرفین ازدواج از قیود زندگی مشترکی نامطلوب در حالی که به ازای این قیود منافعی نیز شامل حال‌شان نمی‌شود. زیرا عدم تفاهم آن دو، جو پیشرفت، همکاری، امنیت، آرامش در روابط صمیمانه را که لازمه سعادت و ایجاد فرصت‌های مناسب ترقی و منفعت است، از بین برده است.

جلوگیری از آسیب‌های روانی و بیماری‌های روحی که در اثر حضور در جوی نامساعد و پرتلاطم امکان ظهور می‌یابند.

تربیت فرزندان در محیطی آرام و دور از تشنجات و منازعات والدین، حتی اگر نزد یکی از آن‌ها تربیت شوند و جلوگیری از ایجاد اختلالات روانی در کودکان بدین وسیله، و . . . البته کارکردگرایان تنها به مزایای این امر، آن هم برای عده خاصی، توجه می‌کنند و معایب این مسأله و معضل اجتماعی را که بسیار بیشتر از کارکردها و نتایج آن می‌باشد، فراموش می‌نمایند. از جمله این معایب عبارت است از:

- عدم سعی و تلاش و مجاهده توسط زوجین جهت اصلاح خود و برقرار داشتن کانون خانواده،

- بی‌سرپرستی کودکان و عدم تربیت آن‌ها و بزهکاری، پرخاشگری، ناسازگاری، افت تحصیلی، فحشا، ایجاد تمایلات هم‌جنس‌گرایانه، کاهش میل به ازدواج در ایشان، تقلیل اعتماد به نفس، اعتماد به زندگی و تزلزل عاطفی و کلاً ایجاد آسیب‌های روانی و اجتماعی،

- ایجاد مشکلاتی برای کودکان به علت ازدواج مجدد والدین،

- فقدان همان حداقل پاسخگویی به نیازها و گرفتاری به انواع انحرافات جهت رفع نیازها، در صورت عدم ازدواج مجدد،

- گسست ارتباطات خویشاوندی که با ازدواج به وجود آمده و در نتیجه تزلزل ارتباطات اجتماعی در سطح گسترده و ...

نظریه‌ی دیگری که می‌توان به واسطه آن به تبیین طلاق پرداخت نظریه انتقال فرهنگی و یادگیری اجتماعی می‌باشد، مطابق این نظریه طلاق و انجام آن و یا درخواست آن و یا تفکر به آن به عنوان راه حل رفع مشکلات زندگی از طریق معاشرت با دوستان غیرمناسب و داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم که مثلاً در این مورد وی را به طلاق تشویق می‌نمایند و یا انگیزه جدایی وی را ایجاد می‌کنند، بارز می‌شود. در این مسیر آن که بیشترین نقش را ایفا می‌کند دوستان و رفقای فرد می‌باشد که وی را به چنین کاری به نحو مستقیم و یا غیرمستقیم تشویق می‌نماید. فرد چون دوستان خود را فارغ از اختصاص وقت به همسر و غیرمقیمید به تأمین اقتصادی او و دیگر امور منزل و ... می‌بیند و چون با استهزای دوستان به علت پای‌بندی فرد به زندگی مشترک روبرو می‌شود، فراموش می‌کند که او این امور را در غالب چه رفع حوایجی بر عهده گرفته است و محصوریت در زندگی مشترک را کاری عبث و بیهوده می‌بیند. همچنین تشویق دوستان به طور مستقیم در هنگام ظهور کوچکترین مشکل در زندگی مشترک عاملی مؤثر در بروز مسأله طلاق است.

تبیین این مسأله با استفاده از نظریه برچسب‌زنی نیز امکان‌پذیر است؛ چرا که مطابق این نظریه طلاق و وقوع آن و یا ایجاد اختلاف و تشدید آن فرآیندی است که توسط عده‌ای که زوج و زوجه را به سمت این مسأله سوق می‌دهد، صورت می‌پذیرد.

روش تحقیق

رویکردهای روش‌شناختی و روش‌های تحقیق که در سنجش پدیده طلاق به کار می‌رود به دلیل ماهیت پیچیده آن، متنوع است.

از دیدگاه روش‌شناختی باید پدیده‌ی طلاق را به عنوان کنش‌های کنش‌گران اجتماعی مورد ارزیابی «روش‌شناسی کیفی» و «روش‌شناسی کمی» قرار داد. بر این اساس، جهت افزایش روایی تحقیقات در حدّ امکان باید از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در تحقیقات کیفی نظیر «مشاهده میدانی» و «مصاحبه عمیق»، و روش‌های جمع‌آوری داده‌ها در تحقیقات کمی نظیر روش پیمایشی و پرسشنامه استفاده شود (حمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۹).

بنابراین برای اجرای این تحقیق از سه روش اسنادی^۱، میدانی^۲ و روش پیمایشی یا زمینه‌یابی^۳ استفاده شده است. در روش اسنادی سعی شده با استفاده از کتب، منابع و تحقیقات دیگران به روش کتابخانه‌ای اطلاعات مربوط به طلاق و تحقیقات انجام شده پیرامون آن گردآوری شود، و در این زمینه سعی گردیده است نظریات ادیان مختلف به ویژه دین مبین اسلام در مورد طلاق مطالعه شود و نظریات جامعه‌شناسی و روان‌شناسی در زمینه طلاق گردآوری شود و با استفاده از تئوری‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی پدیده طلاق در جوامع انسانی مورد تبیین قرار گرفت و سعی شد که یک چهارچوب نظری برای تبیین طلاق ارایه گردد، و همچنین در این زمینه تحقیقات انجام شده در ایران و خارج از کشور بررسی شد و با استفاده از آمار، فرآیند افزایش طلاق در ایران نشان داده شد.

در مرحله‌ی دوم با استفاده از روش میدانی و با استفاده از تکنیک مشاهده^۴ و مصاحبه عمیق سعی شد که با ۵۰ زوج از هم جدا شده مصاحبه‌های عمیق صورت گیرد و از نزدیک رفتار آن‌ها مشاهده شود که این ۵۰ مصاحبه عمیق به صورت ۵۰ بیوگرافی آورده شده است، که ۵۰ بیوگرافی تکراری نبوده و هر کدام از آن‌ها یکی از عوامل اصلی طلاق را بیان نموده و بر یک عامل مهم و تاثیرگذار بر طلاق را تاکید کرده باشد.

در مرحله سوم با استفاده از روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک «پرسشنامه» سعی شد با ۵۰۰ زوج طلاق گرفته «مصاحبه همراه با پرسشنامه» انجام گیرد که نتایج این پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و تجزیه و تحلیل با کامپیوتر به صورت جداول توزیع فراوانی آورده شده است و در پایان نیز جدول توزیع فراوانی عوامل مؤثر بر طلاق

ارایه شده است که در آن سهم هر یک از عوامل تاثیرگذار در طلاق به صورت درصد آورده شده است.

جامعه آماری و انتخاب حجم نمونه

جمعیت آماری این پژوهش شامل کلیه زوج‌هایی بوده است که طی ۶ ماه (اردیبهشت‌ماه تا مهرماه ۱۳۸۷) به دادگاه‌های خانواده و دادگستری شهرستان زنجان مراجعه نموده و پرونده آن‌ها منجر به صدور طلاق شده است که از بین این ۵۰۰ زوج ۵۰ نمونه برای مصاحبه عمیق انتخاب شده‌اند.

نحوه‌ی نمونه‌گیری نیز بدین صورت است که در مطالعات کیفی و بالاخص در مطالعات میدانی حجم نمونه مورد بررسی وابسته به اشباع طبقه‌بندی‌های استخراج‌شده از مصاحبه می‌باشد به این معنی که روند انجام مصاحبه تا زمانی که طبقه‌های (علل طلاق) جدیدی از علل طلاق استنباط شود، ادامه خواهد داشت. در این پژوهش نیز با توجه به تحقیقات کیفی انجام‌شده، حجم نمونه از طریق فرمول «اشباع طبقات» ۵۰ نفر انتخاب شده است، به این معنی که بعد از محوربندی و تعیین سؤال‌های اصلی مصاحبه‌ها تا جایی ادامه می‌یابد که به تکرار در پاسخ‌ها برسیم. مشاهده‌ی تکرار در پاسخ‌ها زمانی است که نمونه‌ی آماری کامل شده و مصاحبه‌ها می‌تواند متوقف شود. اطلاعات حاصله از انجام مصاحبه‌ی عمیق طبقه‌بندی شده و به صورت ۵۰ بیوگرافی آماده شده است و در روش کمی نیز نتایج به صورت جداول فراوانی و نتایج درصدی استخراج شده است.

ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها

همان‌طور که متذکر شدیم روش تحقیق مورد استفاده در این طرح به صورت روش تحقیق کیفی و کمی می‌باشد. بنابراین ابزار مورد استفاده به منظور گردآوری اطلاعات و داده‌ها، در روش کیفی (روش میدانی)، مشاهده و مصاحبه عمیق می‌باشد و در روش کمی (روش پیمایشی)، پرسشنامه است.

اعتبار و پایایی تحقیق

از دید بیکر مطالعات میدانی شالوده معتبرین انواع مطالعات اجتماعی است، زیرا عملاً در میدان تحقیق صورت می‌گیرد و در پی کشف معنای حقیقی محیط اجتماعی و درک ماهیت آن است. مطالعه میدانی در پی طرح اساسی‌ترین معیار اعتبار تحقیق است. اما برخورداری از پایایی در مطالعات میدانی پُردشووار است. چه کار میدانی بسیار فردی و منحصر به فرد است و غالباً تکرار آن توسط محقق دیگر دشوار یا غیرممکن است (بیکر، ۱۳۸۱، ص ۲۹۵).

تجزیه و تحلیل یافته‌های مصاحبه‌ها

این بخش به تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به بخش کیفی تحقیق است که مختص گفته‌های مصاحبه‌شوندگان و پاسخ آن‌ها به سؤال‌های پژوهش است و بر اساس محورهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی، تقسیم شده است که هر کدام از این بخش‌ها خود متشکل از چند زیرمجموعه است. محورها و موارد مورد بحث به قرار زیر می‌باشد:

بخش اول، سؤال‌های فردی شامل: سن، تعداد فرزند، زندگی با خانواده همسر، اختلاف سن با همسر، مدت نامزدی، سال‌های زندگی مشترک.

بخش دوم، سؤال‌های اقتصادی شامل: درآمد، نوع مسکن، محل زندگی، میزان مهریه.

بخش سوم، سؤال‌های اجتماعی شامل: تحصیلات، وضعیت شغلی، اصالت خانوادگی، پایگاه اجتماعی، نحوه‌ی آشنایی، علل اختلافات و مشاجرات زوجین.

بخش چهارم، سؤال‌های فرهنگی شامل: نوع ارتباط با همسر، خانواده، دوستان و اطرافیان همسر، پای‌بندی به مسایل مذهبی و آگاهی به مسایل حقوقی.

بخش پنجم، روابط زناشویی و مسایل عاطفی.

با توجه به نتایج و یافته‌های به دست آمده از بخش‌های فوق در این فصل به تمامی عواملی که دست به دست هم می‌دهد و منجر به خاتمه یافتن یک زندگی (طلاق) می‌شود، عبارتند است از:

بخش اول: آنچه که به لحاظ فردی در بین مصاحبه‌شوندگان ملاحظه می‌شود اکثر طلاق‌ها در سنین پایین اتفاق می‌افتد که معمولاً بیشتر آن‌ها صاحب فرزند نبوده است و سال‌های زندگی آن‌ها طولانی نمی‌باشد.

بخش دوم: از لحاظ اقتصادی، بسیاری از مصاحبه‌شوندگان مربوط به طبقات غیرمرفه جامعه که یاروستایی و یا متعلق به قشر پایین زنجان بوده و معمولاً با درآمد پایین و مستأجر هستند.

بخش سوم: مصاحبه‌شوندگان به لحاظ وضعیت اجتماعی اکثراً در سطح پایین‌تری قرار دارند (تحصیلات، وضعیت شغلی، پایگاه اجتماعی و ...). در بین مصاحبه‌شوندگان بیشتر زنان خانه‌دار و مردان کارگریابی کار می‌باشند و معمولاً در خانواده‌ای نابسامان و آشفته به سر می‌برند.

- در بین خانواده‌های طرفین طلاق، غیر از طلاق مسایل دیگری هم به چشم می‌خورد (وجود پدرسالاری یا مادرسالاری در خانواده، ناپدیری یا نامادری در خانواده، عدم وجود والدین، مرگ یا طلاق یکی از والدین).

- طلاق به لحاظ اجتماعی، بیش از گذشته مورد قبول قرار گرفته و سرزنش یا عدم تایید اجتماعی (بدنامی) طلاق کم شده است. اکنون دیگر طلاق، احساس بدنام‌شدن و تنفر مردم را بر نمی‌انگیزاند لذا مردم کمتر از گذشته از پیامدهای طلاق نگران هستند و بیش از پیش در جستجوی راه‌های حقوقی پایان‌بخشیدن به ازدواج نامطلوب می‌گردند، بیش از آن‌که برای حفظ آبرو، ناملايمات زندگی مشترک را تحمل نمایند.

- تغییرات مستمر در نقش زنان منجر به رشد فزاینده طلاق گردیده است به طوری که از هر ۱۰ دادخواست طلاق ۷ مورد از طرف زنان می‌باشد. این حالت نشان می‌دهد که زنان بیش از مردان از وضعیت خود پس از ازدواج ناراضی هستند و بیش از مردان تمایل دارند که اولین قدم در پایان‌دادن به ازدواج را بردارند. بهتر است این طور گفته شود که طی قرن بیستم، انتظارات زنان از زندگی و ازدواج زیاده‌تر شده است و زنان کمتر پذیرای نقش سنتی زنان خانه‌دار می‌باشند (براون، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶).

بخش چهارم: بیشتر مصاحبه‌شوندگان به لحاظ فرهنگی با هم اختلاف داشتند و هیچ یک از طرفین طلاق با خانواده یکدیگر ارتباط خوب نداشتند و برخی از زنان معتقد بودند زندگی‌شان تحت تاثیر عقاید اطرافیان همسر بود. و برخی از طلاق‌ها به دلیل عدم پایبندی به مسایل مذهبی و حقوقی (عدم آشنایی به حقوق زن و شوهر) رخ می‌دهد.

بخش پنجم: به لحاظ روابط زناشویی و مسایل عاطفی، در بسیاری از طلاقها شاهد این نکته بودیم که طرفین طلاق به علت اختلاف در مسایل جنسی و عدم آشنایی به روابط زناشویی، زندگی شان از هم پاشیده می شد، بدون این که پای این عامل به میان کشیده شود که به نظر می رسد به علت عدم آگاهی نسبت به اهمیت و ضرورت نقش آن، این عامل را نادیده می گیرند.

جدول شماره (۳): توزیع فراوانی حجم نمونه بر حسب عوامل فردی

ردیف	متغیر	تعداد متغیر	فراوانی و درصد فراوانی
۱	سن زنان	۱۹-۱۴ سال	۷۰ نفر (۱۴٪)
		۲۴-۲۰ سال	۱۴۶ نفر (۲۹٪)
		۲۹-۲۵ سال	۱۵۵ نفر (۳۱٪)
		۳۴-۳۰ سال	۸۲ نفر (۱۶٪)
		۳۹-۳۵ سال	۱۷ نفر (۳٪)
		۴۰+	۳۰ نفر (۶٪)
۲	سن مردان	۱۹-۲۴ سال	۶۷ نفر (۱۳٪)
		۲۹-۲۵ سال	۱۶۱ نفر (۳۲٪)
		۳۴-۳۰ سال	۱۸۶ نفر (۳۷٪)
		۳۹-۳۵ سال	۴۲ نفر (۸٪)
		۴۴-۴۰ سال	۱۴ نفر (۲٪)
		۴۵+	۳۰ نفر (۶٪)
۳	وضعیت اشتغال زنان	شاغل	۱۰۹ نفر (۲۱٪)
		خانه دار	۳۴۸ نفر (۶۹٪)
۴	وضعیت اشتغال مردان	دانش آموز و دانشجوی	۴۳ نفر (۸٪)
		کارمند	۱۰۸ نفر (۲۱٪)
		آزاد	۲۲۳ نفر (۴۴٪)
		کارگر	۱۲۴ نفر (۲۴٪)
۵	وضعیت تحصیلی زنان	بی کار	۴۵ نفر (۹٪)
		بی سواد	۲۶ نفر (۵٪)
		ابتدایی	۹۷ نفر (۱۹٪)
		راهنمایی	۸۳ نفر (۱۶٪)
		دیپلم	۱۶۱ نفر (۳۲٪)
۶	وضعیت تحصیلی مردان	فوق دیپلم	۲۷ نفر (۵٪)
		لیسانس	۶۳ نفر (۱۲٪)
		بی سواد	۱۷ نفر (۳٪)
		ابتدایی	۱۴۱ نفر (۲۸٪)
		راهنمایی	۸۰ نفر (۱۶٪)
		دیپلم	۵۷ نفر (۱۱٪)
		دیپلم	۱۳۶ نفر (۲۷٪)
		فوق دیپلم	۲۴ نفر (۴٪)
		لیسانس	۳۹ نفر (۷٪)
		فوق لیسانس	۴ نفر (۰٪)
۷	محل سکونت	دکتر	۲ نفر (۰٪)
		روستا	۹۳ نفر (۱۸٪)
		شهر	۴۰۷ نفر (۸۱٪)
۸	مدت زندگی مشترک	زندگی مشترک نداشته اند	۷۲ نفر (۱۴٪)
		کمتر از یک سال (چندماه) زندگی	۲۹ نفر (۵٪)
		از دو تا شش سال	۲۲۴ نفر (۴۴٪)
		از هفت تا یازده سال	۶۸ نفر (۱۳٪)
		از دوازده سال تا شانزده سال	۴۱ نفر (۸٪)
		بیشتر از هفده سال	۱۶ نفر (۳٪)

۹	مدت دوران نامزدی	دوران نامزدی نداشته‌اند	۹۵ نفر (٪۱۹/۰)
		کمتر از یک ماه تا شش ماه	۱۷۶ نفر (٪۳۵/۲)
		از هفت ماه تا یک سال	۱۸۶ نفر (٪۳۷/۲)
۱۰	میزان مهریه	از یک تا چهار سال	۴۳ نفر (٪۸/۶)
		کمتر از صد سکه طلا	۱۲۴ نفر (٪۲۴/۸)
		صد تا دویست سکه طلا	۱۲۵ نفر (٪۲۵/۰)
		دویست تا سی صد سکه طلا	۲۳ نفر (٪۴/۶)
		بیشتر از سی صد سکه طلا	۴۷ نفر (٪۹/۴)
		کمتر از دو میلیون تومان	۳۹ نفر (٪۷/۸)
		دو میلیون تا شش میلیون تومان	۹۰ نفر (٪۱۸/۰)
		بیشتر از شش میلیون تومان	۵۲ نفر (٪۱۰/۴)
		نسبت فاعیلی	۱۲۶ نفر (٪۲۵/۲)
۱۱	نحوه آشنایی طرفین طلاق	معرفه از طریق دوستان و آشنایان	۱۲۴ نفر (٪۲۴/۸)
		خواستگاری سنتی	۱۲۲ نفر (٪۲۴/۴)
		آشنایی خیابانی	۳۶ نفر (٪۷/۲)
		همکار یا هم دانشجویی	۳۱ نفر (٪۶/۲)
		هم‌ولایتی یا هم‌محله‌ای	۵۰ نفر (٪۱۰/۰)
		دوستی یا همکاری با یکی از اعضای خانواده	۱۱ نفر (٪۲/۲)
۱۲	تعداد فرزندان	فرزند نداشته‌اند	۳۳۶ نفر (٪۶۵/۲)
		یک تا دو فرزند	۱۶۰ نفر (٪۳۲/۰)
		بیشتر از سه فرزند	۱۴ نفر (٪۲/۸)
۱۳	اختلاف سنی طرفین طلاق	اختلاف سنی نداشته‌اند	۵۱ نفر (٪۱۰/۲)
		از یک تا چهار سال	۱۶۱ نفر (٪۳۲/۲)
		از پنج تا نه سال	۱۹۹ نفر (٪۳۹/۸)
		از ده تا چهارده سال	۴۷ نفر (٪۹/۴)
		بیشتر از پانزده سال	۶ نفر (٪۱/۲)
۱۴	سن زنان هنگام ازدواج	تا پنج سال اختلاف سنی معکوس	۳۶ نفر (٪۷/۲)
		کمتر از بیست سال	۲۳۱ نفر (٪۴۶/۲)
		از بیست تا بیست و چهار سال	۱۹۷ نفر (٪۳۹/۴)
		از بیست و پنج تا بیست و نه سال	۴۸ نفر (٪۹/۶)
		بیشتر از سی سال	۲۴ نفر (٪۴/۸)
۱۵	سن مردان هنگام ازدواج	کمتر از بیست سال	۳۷ نفر (٪۷/۴)
		از بیست تا بیست و چهار سال	۲۲۰ نفر (٪۴۴/۴)
		از بیست و پنج تا بیست و نه سال	۱۹۲ نفر (٪۳۸/۴)
		بیشتر از سی سال	۶۱ نفر (٪۱۲/۲)

جدول شماره (۴): توزیع فراوانی حجم نمونه بر حسب علل طلاق

علل طلاق	فراوانی	درصد
اعتیاد و سابقه قاچاق	۱۵۲	۱۲/۱
فساد اخلاقی و بی‌بندوباری	۱۴۳	۱۱/۳
مسایل جنسی	۶۸	۳/۵
اختلاف و عدم تفاهم	۴۳۸	۳۴/۸
بیماری‌های لاعلاج و روانی	۶۵	۵/۱
بی‌کاری و فقر اقتصادی	۱۴۷	۱۱/۶
ازدواج اجباری	۵۱	۴
دخالت اطرافیان	۱۰۴	۸/۱
طلاق عاطفی	۱۱	۰/۸
اختلاف سنی	۲۳	۱/۷
عدم شناخت قبل از ازدواج	۳۷	۲/۹
ازدواج مجدد مرد بدون اجازه همسر	۳۵	۲/۷
جمع	۱۲۵۴	۱۰۰/۰

استنتاج آماری

در این تحقیق با استفاده از روش‌های آماری که در صفحات پیشین ذکر شد به کنترل آماری متغیرها پرداخته شد. بر اساس آنچه در روش میدانی مشاهده نمودیم و در روش پیمایشی تجربه کردیم، با استفاده از روش آماری توزیع فراوانی مشخص گردید که:

- طلاق در شهر زنجان در بین زنان، بیشتر در رده‌های سنی ۲۹-۲۰ سال (۶۰/۲٪ زنان مورد مطالعه) و در بین مردان در رده‌های سنی ۳۴-۲۵ سال (۶۹/۴٪ مردان مورد مطالعه) مشاهده می‌گردد.

- بیشتر زنان مطلقه، خانه‌دار و فاقد شغل بوده‌اند (۶۹/۶٪ زنان مورد مطالعه) و به همین دلیل بیشتر از مردان به لحاظ اقتصادی زیان می‌بینند، شاید به دلیل همین مضیقه‌ی مالی برای گذران زندگی دست به کارهایی بزنند که در شأن ایشان نباشد، و چه بسیار زنان مطلقه‌ای را مشاهده کردیم که به علت نداری، فقر و فلاکت دست به خودفروشی زده‌اند، و در بین مردان طلاق بیشتر در بین افرادی مشاهده می‌شد که شغل آزاد دارند (۴۴/۶٪ مردان مورد مطالعه).

- طلاق در بین زنان، با تحصیلات ابتدایی بیشتر به چشم می‌خورد (۴۹/۸٪ زنان مورد مطالعه)، و همین امر در مورد مردان نیز صدق می‌کند (۵۹٪ مردان مورد مطالعه).

- بیشتر زوجینی که طلاق گرفته‌اند، ۶-۲ سال با همدیگر زندگی مشترک داشته‌اند (۴۴/۸٪ حجم نمونه مورد مطالعه)، یعنی بیشترین درصد مربوط به این افراد می‌شود.

- بیشتر زوجینی که طلاق گرفته‌اند، کمتر از یک سال دوران نامزدی داشته‌اند (۷۲/۴٪ حجم نمونه مورد مطالعه)، یعنی بیشترین درصد مربوط به افرادی می‌شود که دوران نامزدی کوتاهی داشته‌اند و شاید همین عامل، خود بی‌تاثیر در طلاق‌شان نباشد، چرا که دوطرف بدون شناخت کامل از خصوصیات یکدیگر وارد زندگی شده‌اند. چه‌بسا اگر دوران نامزدی طولانی‌تری می‌داشتند بهتر همدیگر را شناخته و راحت‌تر یکدیگر را در زندگی مشترک قبول می‌کردند.

- در بین حجم نمونه‌ی مورد مطالعه تعداد افرادی که مهریه نسبتاً بالایی دارند نسبت به سایر گروه‌ها بیشتر است (۴۹/۸٪ افراد از ۱۴ تا ۲۰۰ سکه مهریه داشته‌اند) که البته بیشتر زنان در حین طلاق یا برای نجات جان خود و فرزندشان و یا به علت تهدید همسر مبنی بر این که اگر مهریه‌ات را نبخشی طلاق نمی‌دهم، مهریه‌شان را می‌بخشیدند.

- در بین حجم نمونه‌ی مورد مطالعه بیشتر طرفین طلاق نسبت فامیلی (دور یا نزدیک) داشتند (۲/۲۵٪ افراد مورد مطالعه).

- بیشتر افرادی که زندگی‌شان از هم پاشیده و ختم به طلاق شده است (۲/۶۵٪) صاحب فرزند نمی‌باشند، از آنجایی که اکثر افرادی که طلاق گرفته‌اند، صاحب فرزند نبودند، چنین استنباط می‌شود که شاید از شروع زندگی مشترک اختلاف داشته‌اند و نمی‌خواستند به دلیل داشتن فرزند خود را گرفتار زندگی اجباری نمایند، و افرادی که صاحب فرزند هم بودند، مادر به دلیل عدم تحمل دوری از فرزند، حضانت او را، به جای مهریه خود قبول می‌کرد.

- در حجم نمونه‌ی مورد مطالعه در مورد اختلاف سنّ بیشترین درصد به افرادی اختصاص می‌یابد که با همسرشان ۹-۵ سال اختلاف سنّی دارند. ۲/۷٪ زنان با همسران خود اختلاف سنّی معکوس داشتند یعنی زنان به لحاظ سنّی بزرگ‌تر از مردان بودند.
- بیشترین درصد سنّ ازدواج در بین زنان مطلقه کمتر از ۲۰ سال (۱۹-۱۳ سال)، (۲/۴۶٪) بوده و در بین مردان در رده سنّی ۲۴-۲۰ سال (۴۴٪ مردان مورد مطالعه) بوده است.

- در مورد علل طلاق، از بین ۵۰ عامل تاثیرگذار، اعتیاد بیشتر از همه (۸/۸٪ از کلّ نمونه مورد مطالعه) مؤثر بوده و کمترین تعداد طلاق به علّت ازدواج مجدد زن و اختلاف در مذهب (۱/۰٪) می‌باشد.

- در بین افرادی که طلاق رخ داده ۶/۱۸٪ روستایی و ۴/۸۱٪ شهری می‌باشند.

استنتاج تئوریک

با توجه به رهیافت تئوریک دورکیم و مرتن که با طرح و ابداع مفهوم بی‌سازمانی یا بی‌قاعدگی اجتماعی دقیقاً دنیایی از روابط اجتماعی را مجسم ساختند که مخصوصاً در قرن بیستم بسط یافت. هنگامی که جامعه‌ای در حال دگرگونی سریع است، بسیاری از انسان‌ها دچار نوعی سردرگمی می‌شوند، قواعد و هنجارهای سنتّی برای‌شان کم‌ارزش به نظر می‌رسند و ارزش‌های جدید و منطبق با واقعیت نیز جا نیفتاده‌اند. در جامعه در حال گذار دو ساخت اجتماعی همچنان موجودند (ساخت کهن و ساخت جدید) و در نتیجه برخی از ساخت کهن و برخی از ساخت نوین تبعیت می‌کنند، اما اکثر در بین این دو

مسافت اجتماعی سرگردانند. بر اساس ساخت کهن می‌اندیشند اما به مقتضای واقعیت و بر حسب ساخت جدید عمل می‌کنند. گاه در امر ازدواج دو ساخت متمایز با هم عمل می‌کند و تناقض می‌آفریند.

بنابراین در این تحقیق، این نتایج کلی به دست آمد که پدیده‌ی صنعتی‌شدن از طریق رشد دادن فردیت، و وارد کردن زنان به فعالیت تولیدی و اجتماعی خارج از خانه، تقویت استقلال اقتصادی افراد و به تبع آن کاهش بردباری آنان نسبت به یکدیگر، شناخت و تثبیت و افزایش حقوق زنان، قانونی کردن (تقریباً جهان‌شمولی) حق طلاق، شهرنشینی، خشونت خانوادگی، اشتغال زنان و پیامدهای آن، مهاجرت از روستا به شهر، تحرک اجتماعی و اقتصادی و محلی بیشتر و گسترش تماس‌ها و روابط اجتماعی، کاهش نفوذ مرد در خانواده و بسیاری عوامل دیگر از این قبیل، که بر وضع نهاد خانواده تاثیر گذاشت و در واقع جامعه‌ی صنعتی ضمن حل بسیاری از تضادهای جوامع ماقبل خود موجب بروز تضادها و تنش‌های جدیدی شد و در مجموع، عملکرد آن به لحاظ تاثیرگذاری در حفظ خانواده، منفی بوده است که این جریان در جامعه ما هم تاثیرش را بر خانواده‌ها به جای گذاشته است و در حقیقت از طریق این خانواده‌ها است که آمیختگی از ضد ارزش‌های سلطه‌گر و بیگانه و ضد ارزش‌های سلطه‌گر داخلی به عنوان ارزش‌های برتر و جاودانه معتبر بر جوامع زیر سلطه حاکم می‌شود و این جوامع را برای از خود بیگانه‌شدن و بریدن با زمینه‌های اجتماعی و طبیعی خودشان آماده می‌کند و در معرض متلاشی شدن قرار می‌دهد. فقر، بی‌سرپرستی دایم و موقت، بی‌کاری، کاهش مسؤلیت‌پذیری در خانواده‌ها، کم‌رنگ‌شدن ارزش‌های ملی و مذهبی، شکاف نسلی، اعتیاد، طرد افراد از خانواده و اجتماع، طلاق، ناکافی بودن مهارت‌ها و آگاهی‌های خانواده برای مقابله با آسیب‌ها و نبودن وجود نظام کارآمد اجتماعی برای حمایت از این نهاد، از خطراتی است که در جامعه‌ی امروز خانواده‌های ایرانی را نشانه گرفته و آن‌ها را وادار به عدم رعایت قوانین و مقررات حاکم بر جامعه و گرایش به سوی رفتارهای نابهنجار اجتماعی می‌کند.

زیرنویس‌ها

- 1- Documental research 2- Field research 3- Survey research 4- Observation

منابع

- ۱- احمدی، حبیب. جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: انتشارات سمت. چاپ اول: ۱۳۸۴.
- ۲- براون، کن. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی. ترجمه: داوود رویدال. قم: انتشارات الف. لام. میم. ۱۳۸۵.
- ۳- بیکو، تریزال. نحویدی انجام تحقیقات اجتماعی. ترجمه: هوشنگ نانی. انتشارات روش. ۱۳۷۷.
- ۴- ریتزر، جورج. نظریه‌های جامعه‌شناسی. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی. ۱۳۷۷.
- ۵- ریتزر، جورج. نظریه‌های جامعه‌شناسی. ترجمه: احمد رضا غروی زاد. تهران. ۱۳۷۴.
- ۶- ساروخانی، باقر. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: نشر سروش. ۱۳۷۵.
- ۷- ستوده، هداایت‌اله. آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). تهران: نشر آوای نور. ۱۳۸۰-۱۳۷۴.
- ۸- سلیمی، علی و دیگری. جامعه‌شناسی کجروی. تهران: انتشارات پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه. ۱۳۸۰.
- ۹- گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی. ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی. ۱۳۷۳.
- ۱۰- گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی. ترجمه: حسین بهروان. تهران: نشر نی. ۱۳۷۷.
- ۱۱- محسنی تبریزی، علی‌رضا. وندالیم، مبانی روان‌شناسی اجتماعی. جامعه‌شناسی و روان‌شناسی. ۱۳۸۳.
- ۱۲- مشهدی رجبی، مونا. بازنگری تأثیرات طلاق بر فرزندان. طلاق یا یک زندگی پرتنش؟. سایت و مجله فرهنگ و پژوهش. شماره ۱۶۹. سه‌شنبه ۲۶ آبان ۱۳۸۷.

13- <http://www.divorcereform.org/fights.htm>.

14- <http://www.divorceonline.com/articles/f156934>.

15- Bowman, Henry 345, 1978 Aspanier, Braham. B: Modern.

16- Marriage, United states of America, McGraw-Hill, Inc.